

جایگاه و چگونگی تأثیر تکریم در تربیت اخلاقی در دوره کودکی

*حسین مقیسه
**ابراهیم نوئی
***سید مصطفی موسوی

چکیده

هدف این پژوهش تبیین جایگاه تکریم در تربیت اخلاقی و تحلیل چگونگی سازوکار تأثیر آن در رشد اخلاقی در دوره کودکی است. این پژوهش با استفاده از روش‌های توصیفی، تحلیلی و استنتاجی به واکاوی متون اسلامی و تربیتی در رابطه با تکریم پرداخته است. نتیجه بررسی‌ها گویای آن است که تکریم از جهت آنکه سبب ایجاد احساس ارزشمندی می‌گردد زمینه شکل‌گیری خود پنداره مثبت در دوره کودکی می‌گردد. و خودپنداره مثبت عامل پذیرش ارزش‌های اخلاقی، تکلیف پذیری در برابر خدا، قانون‌پذیری در رابطه با جامعه و شجاعت و مسئولیت‌پذیری در دوره‌های نوجوانی و جوانی است. برای عملیاتی کردن اصل تکریم در اولین مرحله توانمندسازی مربیان و والدین، براساس مثلث افکار، احساس و رفتار است که از جمله مهم‌ترین توانمندی‌های مربیان در سطح شناختی، انتظار واقع‌بینانه داشتن و در سطح عاطفی، پذیرش و عاطفه مثبت و در سطح رفتاری تعامل مثبت با توجه به ابعاد رشدی است.

واژگان کلیدی

رشد اخلاقی، تربیت کودک، تربیت اخلاقی، تکریم.

h_moghiseh@sbu.ac.ir

*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهید بهشتی.

ebrahim.noei@yahoo.com

**. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهید بهشتی.

***. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول).

mosavi135937@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۰

طرح مسئله

یکی از سیاست‌های مقابله با خصلت‌ها و رفتارهای منفی، رویکرد پیشگیرانه است. در این رویکرد تلاش مربی مصروف آن است که واقعه را قبل از وقوع علاج کند و به شکلی رفتار می‌کند که سیر رشد و تعالیٰ متربی لطمه‌ای نبیند. در متون دینی این رویکرد موردنویجه قرارگرفته است و به شیوه‌های مختلف به چگونگی عوامل پیشگیرانه پرداخته شده است تا از فروافتادن متربی در ناهنجاری‌ها، جلوگیری کند. از جمله این عوامل زمینه‌ساز و پیشگیرانه، تکریم است که در متون اسلامی به عنوان یک عامل بازدارنده از رفتارهای منفی و عامل برانگیزاننده رفتارهای مثبت معرفی شده است و زمینه‌ساز تعادل اولیه و ارتباط مؤثر فرد با خدا، خود و جامعه می‌باشد؛ البته نباید غافل شد که مؤلفه‌های تکریم با توجه به نیازهای وجودی، تحولی و جنسیتی در مراحل رشد متغیراند و هر مقطع، سبک خاص خود را می‌طلبد. در مقطع کودکی به جهت آن که کودک تصویری از خود ندارد و شخصیت او در حال شکل‌گیری است، تکریم از اهمیت بیشتری برخوردار است تا شخصیت عزیزانه و بزرگوارانه در کودک شکل گیرد. از این‌رو، شناخت عناصر مختلف تکریم در این مرحله زندگی، از مباحث محوری در عرصه تربیت است و ارائه تعریف و تصویری صحیح از آن و نیز راهکارهایی جهت حسن اجرا و عملیاتی شدنش، می‌تواند والدین و مریبان را در فرایند تربیت انسان‌های متعادل و صالح، کمک کند.

آنچه به عنوان مسئله اول در این تحقیق مهم است، تحلیل این است که جایگاه تکریم چیست و به طور مشخص وسعت تأثیر اخلاقی آن چه مقدار است. مسئله دیگر چگونگی تکریم و عملیاتی کردن آن در دوره کودکی است. موضوع تکریم در بعضی از تحقیقات مطرح شده اما پژوهش‌های قابل‌اعتنایی در جایگاه و چگونگی تکریم براساس مثلث فکر، احساس و رفتار با توجه به مراحل رشد، انجام‌نشده است. درخششی از تحقیقات به اصل تکریم ذاتی انسان توجه شده است. حمید آریان در مقاله کرامت ذاتی انسان در قران و مؤلفه‌ها و لوازم وجودی آن، به مؤلفه‌های کرامت در ساحت جسمانی و روحانی پرداخته است (آریان، مشایخی: ۱۳۹۷: ۳۷) همچنین ییدالله پور در کتاب کرامت انسان به مؤلفه مختار بودن پرداخته است (ییدالله پور، ۱۳۸۸: ۱۱۹). در بعضی از تحقیقات دیگر به روش‌ها و آثار تکریم توجه شده است. خسرو باقری در کتاب نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، کرامت انسان را به عنوان یک مبدأ قرار داده واصل عزت را از آن به دست می‌آورد و برای عزت نفس دو روش را پیشنهاد می‌کند (خسرو باقری، ۱۳۹۲: ۲ / ۱۹۱) حسینی زاده در کتاب سیره پیامبر و اهل بیت علیهم السلام در تربیت فرزند یکی از نیازهای اساسی کودک را تکریم عنوان کرده و یازده مصدق رفتاری برای

تکریم بیان می‌کند (حسینی زاده، ۱۳۹۱: ۱۰۱) و حاجبیابائیان در کتاب روش‌های تربیت یکی از روش‌های جهت دهنده اخلاق را روش تکریم شخصیت معرفی کرده و هفت مصدق رفتاری را بیان می‌کند. (حاجی بابائیان، ۱۳۹۱: ۲۵۳)

الف) مفهوم تکریم

تکریم از ریشه کرم (بر وزن فرس) مصدر و بر وزن تعییل است. واژه کرم در لغت به معنای شرافت، نفاست و عزت است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۲ / ۵۱؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۵ / ۳۶۸؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۰ / ۴۵) و نقطه مقابل آن، لثامت و پستی است (طريحی، ۱۳۷۵: ۶ / ۱۵۳؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۲ / ۵۱) و معانی دیگر مثل سخاوت و بخشش که در بعضی موارد ذکر شده از آثار کرم است. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۰ / ۴۵) با تکریم است که انسان‌ها حس ارزشمند بودن پیدا می‌کنند و به سمت خوبی‌ها حرکت می‌کنند. انسانی که تکریم می‌شود زمینه‌ای در او پدید می‌آید تا در مسیر رضایت الهی حرکت کند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ش ۸۲۸۵) و سبب می‌شود انسان احساس احترام و دوستی نزد خدای متعال و مردم داشته باشد (همان: ش ۲۱۴۶) و محور رفتارهایش براساس خیر بوده و از شرور دور باشد (همان، ش ۹۶۹۳) و لذتش در خیر رساندن و داشتن منش نیکو و دوری کردن از پستی باشد. (همان، ش ۱۷۵۰۷) پس از مشخص شدن معنای تکریم به بررسی دایره تأثیرگذاری آن می‌پردازیم.

ب) اهمیت تکریم کودک

اولین بارقه‌های خود پندهاره در نوزادی تشکیل می‌شوند؛ وقتی که نوزاد یاد می‌گیرد بعضی چیزها همیشه هستند و بعضی از چیزها فقط گهگاه وجود دارند (رندی جی، ۱۳۹۵: ۱۵۵) و در فرایند رشد در تعامل با والدین و مریبان، این خود پندهاره تکمیل می‌شود و تصویر کودک از خود و شخصیت اولیه او شکل می‌گیرد؛ به‌گونه‌ای که نسخه کوچکی از جوانی است که بعدها خواهد آمد. بخصوص در هفت سال آغاز زندگی، این موضوع آن قدر اهمیت دارد که این دوران در روایتی از پیامبر خدا^{علیه السلام}، دوران سیاست و آقایی کودک شمرده شده است: «الْوَلَدُ سَيِّدُ سَبَعِ سِنِينَ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۵ / ۱۰۱) فرزند، هفت سال سرور است. مقتضای سیاست و آقایی، تکریم متناسب با سیاست اوست؛ از این‌رو کودکانی که مورد محبت‌اند، والدین حمایت‌گر، والدین گرم، علاقه‌مند، متوجه و رهنمودگر دارند؛ به خود ارزشمندی گرایش دارند. رفتارهای تکریم محور والدین و مریبان نسبت به کودک در این مرحله از ابتدا سبب ایجاد تصویری عزیزانه و بزرگوارانه در او می‌شود و زمینه عملی شدن مضمون روایات

تکریم در تربیت اخلاقی فراهم می‌شود و از بسیاری از اختلالات در نوجوانی و جوانی جلوگیری می‌گردد و به همین دلیل امیرالمؤمنین عليه السلام در چشم‌انداز تربیت، ابتدا به تکریم توصیه می‌کند و می‌فرماید: «أَكْرَمُوا أُولَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يَقْرُرُ لَكُمْ». (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱ / ۴۷۶) در این روایت ابتدا به اکرام و سپس به تأدیب توصیه شده و با در نظر گرفتن دیگر روایات، می‌تواند اشاره به این باشد که تکریم فرزند، اولین اصل برای تربیت او است و تا زمانی که با تکریم حس مثبت و ارزشمندی در فرزند شکل نگیرد، امکان نهادینه کردن آداب نیست.

در نگاه روان‌شناسان، افرادی که برای خود حرمت و احترام قائل‌اند در زندگی به شیوه مؤثر و کارآمد عمل می‌کنند. آنها می‌دانند که دوست‌داشتنی و توانا هستند و مجبور نیستند که به تخریب سایر افراد بپردازند؛ به آنها زور بگویند یا به آنها به چشم افرادی بی‌ارزش و یا بی‌اهمیت نگاه کنند. (جان بزرگی، ۱۳۸۹: ۱۲۴) بنابراین با نهادینه کردن تکریم، تعادل اولیه برای ثبت رفتارهای مثبت و تعالی در مقاطع دیگر فراهم می‌گردد.

ج) جایگاه تکریم و دایره تأثیرگذاری آن در تربیت اخلاقی

در منابع اسلامی روایاتی وجود دارد که نشان می‌دهد تکریم، عامل زمینه‌ساز رفتارهای مثبت است که این روایات دوسته هستند: دسته اول روایاتی که به کمک این قاعده «اگر مفهومی در رأس همه مفاهیم باشد باید به گونه‌ای به کار رود که تأثیرگذاری در همه را نشان دهد» (پسندیده، ۱۳۹۱: ۷۱)، می‌توان از آنها بر اینکه کارکرد تکریم، زمینه‌ساز بسیاری از رفتارهای مثبت و دوری از بسیاری از رفتارهای منفی است، استفاده کرد؛ از جمله اینکه کسی که احساس کرامت کند خود را با معصیت بی‌ارزش نمی‌کند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ش ۶۳۴) و شهوت نزد او بی‌ارزش می‌شوند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۷ / ۷۸)

و دسته دوم روایاتی که به کمک این قاعده که «سرآمد بودن یک مفهوم راه شناخت حوزه کاربرد آن است» (پسندیده، ۱۳۹۱: ۷۲) و با این ضمیمه که «اگر حوزه کاربرد مفهومی نشان دهد که شامل همه حوزه‌های رفتاری می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت که عنوان عامی برای همه حوزه‌ها است» به این معرفت رسید که انسان‌های کریم در حوزه ارتباط با خدا، (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ش ۸۲۸۵) مردم و خود (همان، ش ۳۳۶۶) مؤثر عمل می‌کنند.

در مقابل، حذف تکریم و خلاف تکریم عمل کردن، احساس بی‌ارزشی و فرومایگی را پدید می‌آورد که خود عامل ارتکاب ناروایی‌ها و گناهان دانسته شده است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۲ / ۳۰۰)

مجموع این روایات و روایات دیگری که در مورد ویژگی‌های اهل کرامت و نقطه مقابل آن وارد شده به دلیل داشتن تواتر معنایی حجت هستند؛ چون در تواتر معنی، خبر با الفاظی مختلف نقل می‌شود ولی معنا و مفهوم همه آنها یکی است؛ اعم از آنکه آن معنای واحد، معنای مطابقی الفاظ باشد یا معنای التزامی. دو جدول زیر تحلیلی از معکوس‌سازی روایات است که ویژگی‌های هر واژه را همراه با نفی ویژگی‌های واژه مقابل نشان می‌دهد.

	هانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَاتُهُ	
تَأْمِنْ شَرَّهُ. تَرْجُحَ خَيْرَهُ	هانَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا	منْ كَرِمْتْ عَلَيْهِ نَفْسَهُ
	لَمْ يُهْنِهَا بِالْمَعْصِيَةِ	

يُهْنِهَا بِالْمَعْصِيَةِ. لَمْ هانَتْ عَلَيْهِ	لَا تَأْمِنْ شَرَّهُ.	منْ هانَتْ عَلَيْهِ نَفْسَهُ
الدُّنْيَا. لَمْ هانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَاتُهُ	فَلَا تَرْجُحَ خَيْرَهُ	

در جمع‌بندی این روایات این نتیجه به دست می‌آید: کسی که برای خودش ارزش داشته باشد، امیال نفسانی و دنیا سبب حرکت او در مسیر گناه‌ها نمی‌شود چون دنیا و امیال نفسانی برای او ارزشی ندارد و از این‌رو نفس خودش را دچار معصیت نمی‌کند و مردم از شر او در امان هستند و امید خیر از او میرود و در مقابل کسی که احساس ذلت و خواری در نفس می‌کند امیال نفسانی و لذات دنیوی برای او ارزشمند جلوه می‌کندو درنتیجه فقط دنبال لذات خود است و کارکرد بیرونی او به‌گونه‌ای است که مردم از شر او در امان نیستند و امید خیری به او نیست و خودش را با شهوت و معصیت به خواری می‌کشاند.

تحلیل روایات در زمینه چگونگی ارتباط بین تکریم و دوری از هواهای نفسانی و معصیت این است که اولاً با تحلیل گزاره کرم واضح می‌شود این واژه در مواردی به کار می‌رود که در فرد احساس احترام و دوستی نزد خدای متعال و مردم داشته باشد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳: ش ۲۱۴۶) و از خدای متعال پروا داشته باشد. شخصیت چنین فردی به‌گونه‌ای است که رضایت الهی را دنبال می‌کند و محور رفتارها در این افراد براساس خیر است و شرور از آنها دور است (همان، ش ۹۶۹۳) و لذت آنها در خیر رساندن و داشتن منش نیکو و دوری کردن از پستی است؛ (همان، ش ۱۷۵۰۷) درنتیجه انسانی که ارتباط مؤثر با خدا، خود و مردم دارد و محوریت رفتارهایش بر خیر است، به سمت رفتارهای مثبت حرکت می‌کند و از پستی‌ها دوری می‌کند ثانیاً: خودکنترلی و مدیرت

نفس باید از درون جان انسان سرچشمه بگیرد و تا زمینه در درون ذات آماده نباشد، عوامل بیرونی تأثیر ندارند و این یک قاعده است که هر امر بیرونی باید ریشه در درون داشته باشد. (پسندیده، ۱۳۹۷: ۱۲۹) یکی از عوامل درون‌ساز، ایجاد کرامت درونی است که فرد از خود حس مثبت و بزرگوارانه پیدا کند و براساس آن از افکار و کنش‌های پست دوری کند و رفتارهای کریمانه از او پدیدار گردد و ثالثاً با تکریم و ایجاد حس شایستگی و ارزشمندی درونی، عقل عملی تقویت می‌شود و سبب می‌شود عقل عملی در راستای بایدونبایدهایی حرکت کند که مناسبت با شایستگی‌ها داشته باشد و از پستی‌ها و رذایل دوری کند؛ همانطور که یکی از اهداف اصلی تربیت اخلاقی در سیره پیامبر و اهل‌بیت علیهم السلام رشد عقل بوده است (داودی، ۱۳۹۰: ۷۶) افزون بر این، روایات دیگری وجود دارد که مصاديق رفتارهای اخلاقی انسان‌های دارای شخصیت و شرافت را معرفی کرده است که تأیید کننده مضمون روایات تکریم می‌باشند که در طرح مسئله بعضی از آنها ذکر شد.

د) چگونگی تکریم در چرخه فکر، احساس و رفتار

انسان موجود پیچیده‌ای است که دارای فکر، احساس و رفتار است و در این ابعاد تأثیرپذیری دارد؛ از این‌رو برای آنکه بتوان خودارزشمندی و کرامت ایجاد کرده و زمینه رشد اخلاقی فراهم را فراهم نمود، لازم است به این قاعده توجه کرد که «فکر، احساس و رفتاری مربی و متربی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارد». (جرالدکوری، ۱۳۹۹: ۴۱۶)

به‌طور مثال در یک موقعیت مثل کنجکاوی کردن کودک، اگر والدین فکرشان این باشد که کودک فضول است، این فکر سبب ایجاد احساس ناراحتی یا عصبانیت و درنتیجه رفتاری مثل کتک زدن یا داد زدن می‌شود و بعد از کتک زدن، کودک فکر می‌کند که او را دوست ندارند یا درکش نمی‌کنند و درنتیجه ناراحت می‌شود و رفتار منفی او ادامه پیدا می‌کند؛ هرچند ممکن است در ظاهر گاهی مخفی کند؛ آنگاه رفتار کودک سبب می‌شود والدین فکر کنند که کودک بی‌توجه است و به آنها بی‌اعتنایی شده و درنتیجه ناراحت شده و او را تنیه کنند. سپس در کودک دوباره فکر دوست‌نداشتن و بی‌ارزش بودن پدیدار می‌شود و احساس نالمیدی می‌کند و همین‌طور رفتارهای منفی در ظاهر یا پنهان ادامه پیدا می‌کند اگر این چرخه ادامه پیدا کند باورهای منفی در کودک تثبیت می‌شود و وقتی باورهای منفی از خود باهم جمع شود ذلت و خودکم‌بینی ایجاد می‌شود. برای آن که تکریم و خود ارزشمندی در کودک ایجاد شود چرخه فکر، احساس و رفتار نسبت به کودک باید به صورت صحیح پدید آید و در این سه محور با توجه به شناخت از مقاطع سنی برنامه وجود داشته

باشد. در محور افکار، مهم‌ترین رکن آگاهی و تنظیم انتظارات ذهنی والدین و مریبان با ویژگی های سنبی متربی است که در محور احساس، پذیرش و عاطفه مثبت و در محور رفتار تعامل مثبت، نقش مهمی در شکل‌دهی، تکیه دارد که به هر کدام تفصیل پرداخته می‌شود.

۱. انتظار واقع بینانه

تنظيم و هماهنگی فکری متصدیان تربیت براساس توانمندی‌های کودک یکی از عوامل زمینه‌ساز در شکل‌دهی تکریم است چرا که کودک دارای توانمندی‌های شناختی، عاطفی و جسمی خاصی است (گاربر، ۱۳۹۲: ۱۱) و لازم است انتظارات والدین براساس آن توانایی‌ها تنظیم شود. اگر توقع والدین و مریبان بیشتر از واقعیت‌های رشدی باشد، دستورها یا قانون‌هایی را برای کودک در نظر می‌گیرند که کودک ناتوان از درک و انجام آن است و این سبب نافرمانی می‌شود و نافرمانی احساس گناه و اضطراب را در کودک به وجود می‌آورد و درنهایت با برخورد منفی والدین مثل تحقیر و سرزنش و تنبیه مواجه می‌شود و خود پنداره منفی در کودک ایجاد می‌شود و روان بنه حقارت شکل می‌گیرد و درنتیجه خود را ذلیل و حقیر می‌شمارد و مصدق روایت «من هانت علیه نفسه» می‌گردد و در صورت تداوم و تشییت این حالت در کودک منشأ رفتارهای غیراخلاقی و ناهنجار خواهد شد. در مقابل، تنظیم انتظارات براساس سنین رشد باعث می‌شود انتظارات، دستورها و خواسته‌ها با توان کودک تناسب پیدا کند و خواسته‌ها از ناحیه کودک بآورده شمد و تهجه و تشبیه و محبت والدین، حس، ارزشمندی، و روان بنه مشتبه ای د، کودک ایجاد کند.

در روایتی صحیح السند امام صادق علیه السلام به نوع صحیح انتظارات اشاره می‌کند و می‌فرماید:

رَحْمَ اللَّهِ مَنْ أَعْانَ وَكَدَهُ عَلَيْ بِرَهُ قَالَ قُلْتُ كَيْفَ يَعْيِنُهُ عَلَيْ بِرَهُ قَالَ يَقْبَلُ مَيْسُورَهُ وَيَتَجَاوِزُ عَنْ مَعْسُورِهِ وَلَا يَرْهِقُ بِهِ وَلَا يَخْرُقُ بِهِ وَلَا يَسِّيْنُهُ وَبَيْنَ أَنْ يَدْخُلَ فِي حَدٌّ مِنْ حُدُودِ الْكُفْرِ إِلَى أَنْ يَدْخُلَ فِي عُوقَهُ أَوْ قَطْيَعَهُ رَحْمُ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْجَنَّةُ طَيْبَهَا اللَّهُ وَطَيْبُ رِيحَهَا يَوْمَ رِيحُهَا مِنْ مَسِيرَةِ الْفَيْ عَامٍ وَلَا يَجِدُ رِيحَ الْجَنَّةِ عَاقًّا وَلَا قَاطِعَ رَحِيمٍ وَلَا مُرْخِيَ الْأَذْكَارِ حُبْلَا، (ابنِ بَابِوِيهِ، ١٤١٣ / ٣ : ٤٨٩)

خداوند کسی را که به خیر فرزندش یاری می‌دهد بیامرزد! پرسیدنند: چگونه به خیر فرزند یاری رساند؟ فرمودند: آنچه در توان اوست، پذیرا شود و از آنچه فوق توان اوست، درگذرد و جفا و ظلم به او نکند و او را نترساند.

این روایت زمینه شایسته شدن فرزند را در نگاه واقع بینانه داشتن از جهت انتظار و پذیرش امور در حد توان و اجتناب از انتظارات خارج از توان فرزند می‌داند که با جمله «بِقَلْ مَيْسُورَه» به پذیرش

واقع بینانه کنش‌ها در حد توان جسمی و شناختی فرزند و در همان محدوده از او انتظار داشتن اشاره دارد و با جمله «یتجاوز عن معسورة» به این مطلب اشاره می‌کند که در تعامل با فرزند از هر آنچه خارج از رشد شناختی و حرکتی او است باید اجتناب کرد و بیشتر از توانش او را مکلف نکرد که در غیر این صورت او را در سختی و مشقت قرار داده و درنتیجه نافرمانی وعاق شدن را به همراه خواهد داشت.

۲. پذیرش و عاطفه مثبت

تمایل به تکریم و رعایت اصول تربیتی زمانی در مربی شکل می‌گیرد که در ابتدا کودک را با هر شخصیتی که دارد بدون سوگیری قبول کرد و این عاملی مهم در رشد و شکوفایی رفتاری به شمار می‌رود. وقتی کودک بدون قید و شرط ابتدا پذیرش می‌شود و سپس موردتوجه و محبت قرار گیرد احساس محبوب و خود ارزشمندی در او شکل می‌گیرد و این امر امنیت روانی کودک را که از نیازهای اولیه او است تأمین می‌کند.

پذیرش و عاطفه مثبت بی‌قید و شرط به آن است که برای محبت اما و اگر درست نکنیم. آنها باید بدانند که حتی اگر رفتارهای بدی هم داشته باشند شخصیت آنها همیشه مورداحترام است و در برخوردها، رفتارهای آنها است که مورد ارزیابی قرار می‌گیرد نه شخصیت آنها. (جان بزرگی، ۱۳۸۹: ۱۳۳)

در نقطه مقابل، عدم پذیرش و طرد نمودن، به احساس بی‌ارزشی منتهی می‌شود. این تجربیات اولیه کودکان در تحول حرمت خود و حس ارزشمندی بسیار مؤثر هستند و والدین شکل‌گیری احساس ارزشمندی یا بی‌ارزشی، خوب یا بد بودن را در همان چهار سال اول زندگی در کودکان ایجاد می‌کنند و ما می‌توانیم این احساس‌های کلی که بهصورت روان بنه در ناهشیار کودک ایجاد شده را در قالب جمله‌هایی که کودکان هنگام توصیف خود به کار می‌برند دریابیم.

من خیلی بدم.

من آدم احمقی هستم.

من یک شناگر ماهری هستم. (همان: ۱۳۳)

در سیره و کلام اهل بیت ﷺ پذیرش و عاطفه مثبت بی‌قید و شرط بسیار دیده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که در مجموعه روایات در پذیرش و عاطفه مثبت به کودک قید و شرطی را نمی‌آورند و بهصورت مطلق عاطفه مثبت از طرف والدین را توصیه می‌کنند. برای نمونه:

أَكْثُرُوا مِنْ قُبْلَةٍ أُولَادِكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ يَكُلُّ قُبْلَةٍ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ مَسِيرَةَ خَمْسِينَاثَةَ عَامٍ. (حر
عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱) (۴۸۵)

فرزنдан خود را زیاد ببوسید؛ زیرا در هر بوسه برای شما درجه‌ای در بهشت است
که فاصله آن پانصد سال است.»

در این روایت، به بوسیدن فرزندان توصیه شده است و برای هر بوسیدنی درجه و پاداشی در نظر گرفته شده است و بوسیدن فرزند که یکی از مصاديق عاطفه مثبت است، مقید به رفتار مثبت از طرف کودک نشده و در اصطلاح مطلق است و مقید به قیدی نشده است. در روایتی دیگر رسول الله ﷺ می‌فرماید: «کودکان را دوست بدارید و با آنها مهربان باشید». (کلینی، ۱۴۲۹: ۴ / ۵۰) این روایت نیز صریحاً امر به محبت و ترحم به کودکان می‌کند و محبت و ترحم را مقید به رفتار مثبت کودک یا چیز دیگری نکرده است و عدم تقيید نشانگر آن است که ترحم و محبت به صورت مطلق مطلوب شارع است؛ بنابراین پذیرش در مرحله اول و نشان دادن عاطفه مثبت به کودک مورد توجه روایات بوده و مسلمانان به آن دعوت شده‌اند.

۳. تعامل مثبت

ابتدا باید توجه داشت که رویکرد اسلام در ارتباط مسلمانان باهم براساس رحمت و مهربانی بنashده است (فتح / ۲۹) و ایمان، عامل ایجاد برادری است (حجرات / ۱۰) و مؤمن لازم است برادر ایمانی خویش را تجلیل کرده در دلش او را دوست بدارد. (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳: ۴ / ۳۹۸) همچنین به فرموده امیر مومنان: «خداآوند متعال عبد مؤمن را به خاطر ایمانش دوست می‌دارد و از عمل او کراحت دارد به خاطر حرام و ناپسند بودن» (خوئی، ۱۴۰۰: ۹ / ۲۳۰). بنابراین مسلمان به خاطر ایمانی که دارد لازم است مورد تکریم قرار گیرد و تعامل مثبت به عنوان یک قاعده اولیه در نظر گرفته شود.

یکی از لوازم تعامل مثبت در جامعه اسلامی، تفکیک نمودن و فرق گذاشتن بین عمل و عامل، نیکی و نیکوکار، بدی و بدکار است. اگر در جامعه اسلامی فرد مسلمانی تخلفی می‌کند با تخلف مقابله کنیم نه با ذات انسانی وایمانی مخالف. از عمل او اظهار تبری نموده و عمل او را محکوم کنیم نه شخص و شخصیت او را. البته به این مرحله رسیدن گرچه فضیلتی فاخر و بزرگ است اما کاری سخت و دشوار و شاید برای بسیاری دست‌نیافتنی باشد. اولویت و استراتژی باید اشاعه معروف و مبارزه با منکر باشد نه بتسازی از عاملان به معروف و مبارزه با مرتكبان منکر؛ هرچند گاهی و تا حدودی توجه خاص به عاملان و مرتكبان، به عنوان تاکتیک‌های اجرایی و در میدان عمل، اجتناب‌ناپذیر باشد و در یک جمله، علی رغم صعوبت و سختی نظری و عملی، ما نباید جای استراتژی و تاکتیک را عوض کنیم که زیان‌های جبران‌ناپذیر در عرصه فکر و فرهنگ و باورها و اعتقادات دارد.

تعامل مثبت و در نظر گرفتن لوازم آن در عرصه تکریم و ایجاد ارزشمندی در دوره کودکی حساسیت ویژه‌ای می‌یابد و برای تقویت رفتارهای مثبت و کاهش رفتارهای منفی، بسیار مهم است. کارن هورنای^۱ عامل تحول حرمت و عزت نفس کودک را در ارتباطات اجتماعی بهویژه در ارتباط بین فرزندان و والدین کودک می‌داند و بیان می‌کند که تعامل رفتاری منفی در عرصه این ارتباط منجر به ایجاد حرمت خود ضعیف و احساس خودکم بینی می‌شود که تعامل منفی والدین در قالب سلطه گری، بیتفاوتوی، فقدان احترام، تحقیر، فقدان تحسین، فقدان گرمی، انزوا و تبعیض ظاهر می‌شود. (جان بزرگی، ۱۳۸۹: ۱۲۵)

تعامل مثبت با کودکان در کلام و سیره اهل‌بیت علیهم السلام هم به گونه‌های مختلف وجود داشته و توصیه شده که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود: برخاستن و استقبال از فرزند و سلام کردن (طبرسی، ۱۴۱۲: ۱۱۲) اجازه خواستن برای گذشت از حقوق، پذیرش دعوت، عیادت از بیمار، (حسینی زاده، ۱۳۹۰: ۱۰۸) با احترام صدا کردن، (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۴ / ۲۳۶) تحقیر نکردن، (کلینی، ۱۴۲۹: ۴ / ۷۱) رعایت عدالت (حکیمی، ۱۳۸۰: ۶ / ۶۱۳) و نظارت و کنترل (مجلسی، ۱۴۱۳: ۷۱ / ۱۹۰)

(به نقل از حسینی زاده، ۱۳۹۰: ۱۰۷) بنابراین تعامل مثبت، تکریم رفتاری است که نقش محوری در ایجاد حرمت و خود ارزشمندی در کودک دارد که در کودکی، تنظیم رفتار با توجه به ویژگی‌هایی شناختی، عاطفی و رفتاری حرکتی، قابل برنامه‌ریزی است.

ه) چگونگی تأثیرتکریم در تربیت اخلاقی کودک

در ارتباط با کودک با دو چرخه رو به رو هستیم: یکی چرخه فکر، احساس و رفتار مریبی و والدین و دیگری چرخه افکار و احساس و رفتار کودک. وقتی مثلث افکار (انتظارات واقع‌بینانه)، احساس (پذیرش و محبت) و رفتار (تعامل مثبت) والدین و مریبان نسبت به کودک به درستی شکل گیرد، تعادل اولیه در مثلث فکری، احساسی و رفتار والدین و مریبان ایجاد می‌گردد و درنتیجه چرخه دومی در کودک به وجود می‌آید که در آن چرخه زمینه رفتار و افکار کریمانه و خودپنداره مثبت در کودک پدید می‌آید. با توجه به تحقیقاتی که دکتر جان بزرگی انجام داده‌اند با ایجاد خود پنداره مثبت زمینه امور زیر در کودک نمایان می‌شود:

۱. مسئولیت‌پذیری.
 ۲. تحمل ناکامی‌ها.
 ۳. کنترل فشار همسالان.
 ۴. تلاش برای انجام تکالیف.
 ۵. کنترل هیجان‌های منفی و مثبت و مقاومت در برابر خواسته‌های دیگران (جان بزرگی، ۱۳۸۵: ۱۴۱).
- به اعتقاد هارت^۲ حرمت خود و احساس ارزشمندی با سلامت روان در زندگی آینده رابطه دارد و فقدان

1. Karen Horney.
2. Harter.

آن به بیماری هایی مثل افسردگی و اضطراب می‌انجامد (همان: ۱۸) با توجه به تحقیقات دکتر جان بزرگی می‌توان گفت با اموری که به‌واسطه تکریم و خوپنداره مثبت حاصل می‌گردد، زمینه ایجاد فضایل اخلاقی مهیا می‌گردد و افراد دارای خودپنداره مثبت عموماً خداپنداره و احساس خوبی نیز نسبت به زندگی خواهند داشت. آنها می‌توانند با اطمینان به خود و اطراقیان، با مشکلات و مسئولیت‌های زندگی مواجه شوند و از عهده آنها برآیند. در درمان مذهبی - معنوی در افرادی که خودپنداره معیوب وجود دارد، اصلاح و تعدیل خود پنداره، مقدمه و زمینه مهمی برای اصلاح خداپنداره و سلامت روانی افراد است و یافته‌ها هم تائید می‌کند که رابطه مثبت بین خود ارزشمندی و ادراک خدا به عنوان مهربان و بخشنده و رابطه منفی بین خود ارزشمندی و خدای تنبیه‌کننده و بی‌رحم وجود دارد (انصاری، جان بزرگی، ۱۳۹۵: ۱۱۵) بنابراین با تکریم و ایجاد خودپنداره مثبت، زمینه ارتباط با خدا و خود و جامعه به شکل مناسب فراهم می‌گردد. در هندسه معارف دینی و سیره اهل‌بیت علیهم السلام تکریم با توجه به سه ضلع تعامل مثبت، انتظارات واقع‌بینانه و پذیرش و محبت نسبت به کودک توجه شده و نبود یا ضعف آنها عامل بعضی رذایل اخلاقی دانسته شده است. امام محمدباقر ع می‌فرماید:

قالَ الَّهُمَّ إِنِّي لصانِعٌ بَعْضَ وُلْدِي وَأَجْلِسُهُ عَلَيْ فَخِذِي وَأُكْثِرُ لَهُ الْمَحَبَّةَ،
وَأُكْثِرُ لَهُ الشُّكْرَ، وَإِنَّ كَانَ الْحَقَّ لِغَيْرِهِ مِنْ وُلْدِي، وَلَكِنْ مُحَافَظَةُ عَلَيْهِ مِنْهُ وَمِنْ غَيْرِهِ لِتَلَاءِ
يَصْنَعُوا بِهِ مَا فَعَلَ يَوْسُفُ إِخْوَتُهُ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۱ / ۷۸)

به خدا سوگند برای حفظ ظاهر، گاه یکی از فرزندانم را بیشتر نوارش می‌کنم؛ او را روی زانو می‌نشانم و مهر و محبت بیشتری نثارش می‌کنم، با اینکه آن فرزند دیگر شایسته این همه عنایت و تکریم است و نه این. ولی بر آنان می‌ترسم که از ناحیه فرزندان و یا دیگران آسیبی بر سد همان طور که برادران یوسف به یوسف ستم نمودند.

امام باقر ع در این روایت در سبک فرزند پروری خود ابتدا احساس پذیرش و طرد نکردن فرزندی که روحیه حسادت دارد را مورد توجه قرار می‌دهد و از طرفی هم با شناختی که از روحیات کودکان دارد، انتظار واقع‌بینانه‌ای را در ذهن در نظر می‌گیرد و با تعامل مثبت در قالب روی زانو نشاندن و محبت کردن، زمینه حسادت را از بین می‌برد. بنابراین امام علیهم السلام با واقع‌بینی و شناختی که به فرزندان خود دارد برای پیشگیری از حسادت برخی از فرزندان خود و تبعات سوء آن، نه تنها نسبت به فرزندی که باید بیش از دیگران مورد محبت قرار گیرد، در ظاهر اظهار محبت

نمی‌کند؛ بلکه فرزند دیگری را که در معرض بیماری حسادت است، مورد لطف و محبت قرار می‌دهد و خودپنداره مثبت را در او ایجاد می‌کند تا بدین‌وسیله، او را تکریم کرده باشد و از طرفی هم فرزند برتر را از خطر حسادت برادر، حفظ نماید. در این سبکِ رفتاری، امام علیه السلام هیچ‌یک از فرزندان را طرد نکردن و جنبه شخصیتی آنها را در نظر گرفتند و تعامل رفتاری مثبتی هم با همه داشتند.

نتیجه

از آنچه گذشت به دست می‌آید که:

اولاً: تکریم در تربیت اخلاقی جایگاه محوری دارد و در متون روایی به عنوان عامل زمینه‌ساز در رشد اخلاقی است و نقطه مقابل آن اهانت است که عامل زمینه‌ساز بسیاری از ردایل و گناهان است. ثانیاً: در دوران کودکی که تصویری از خود پدید نیامده است با تکریم تصویرمثبتی از خود پدید می‌آید که زمینه تعالی و کنش‌های اخلاقی را فراهم می‌کند.

ثالثاً: وقتی که مثلث افکار (انتظارات واقع‌بینانه)، احساس (پذیرش و محبت) و رفتار (تعامل مثبت) والدین و مریبان نسبت به کودک به درستی شکل گیرد زمینه تکریم در کودک پدید می‌آید. رابعاً: برنامه اولیه برای تکریم در محور افکار، ایجاد آگاهی و انتظار واقع‌بینانه و در محور احساس، پذیرش و عاطفه مثبت و در محور رفتار، تعامل مثبت با توجه به ویژگی‌های رشدی است. خامساً: شکل گیری تکریم زمینه‌ساز صفات اخلاقی مثل صبر و استقامت، تکلیف پذیری، همت، شجاعت و ... می‌شود.

درنهایت به نظر می‌رسد نباید از تأثیر تربیت تکریم محور در چرخه احساس و افکار و رفتار در مقاطع سنی نوجوانی و جوانی غافل شد که این می‌تواند موضوع تحقیق پژوهش گران باشد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان.
۲. ابن‌بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق، من لا يحضره الفقيه، ج ۲۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. امامی، محمد و سید ابوالقاسم حسینی زیدی، محمد شمس الدین دیانی؛ ۱۳۹۶، «ابعاد تربیت فرزند در احادیث معصومان ﷺ»، آموزه‌های حدیثی، شماره ۱۲۵، ص ۹۹ - ۱۲۳، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

۴. انصاری، حسن و مسعود جان بزرگی، ۱۳۹۵، «بررسی ارتباط خود پنداره با خدا پنداره در درمان مذهبی (معنی) اختلالات روانی»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، شماره ۱۹، ص ۱۱۵ - ۱۳۰.
۵. آریان، حمید و محمدمهری مشایخی، ۱۳۹۸، «کرامت ذاتی انسان در قرآن و مؤلفه‌ها و لوازم وجودی»، *مجله قرآن شناخت*، شماره ۲، ص ۳۷ - ۵۵، قم، مؤسسه امام خمینی.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *اسان العرب*، ج ۱۲، بیروت، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزيع.
۷. باقری، خسرو، ۱۳۹۲، *تکاھی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران، مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان.
۸. بهروز، صمد و محمدعلی رضایی اصفهانی، ۱۳۹۵، «تفسیر آیه کرامت و رفع تعارض نمایی آن با اوصاف نکوهیده انسان»، *مطالعات تفسیری*، شماره ۲۶، ص ۱۱۷ - ۱۳۶، قم، دانشگاه معارف اسلامی.
۹. پسندیده، عباس، ۱۳۹۵، «روايات سبع سنین در فرزند پروری، گونه‌ها و تحلیل درونی آنها»، *علوم حدیث*، شماره ۸۱، ص ۳ - ۲۴، قم، دارالحدیث.
۱۰. پسندیده، عباس؛ ۱۳۹۱، «چیستی «حسن خلق» و چگونگی تأثیر آن بر روابط اجتماعی»، *علوم حدیث*، شماره ۶۶، ص ۴۹ - ۷۰، قم دارالحدیث.
۱۱. پسندیده، عباس، ۱۳۹۴، «پایه نظری موعظه پذیری (اتعاذ) براساس قرآن و حدیث»، *پژوهشنامه اخلاق اسلامی*، شماره ۲۸، ص ۱۱۷ - ۱۳۸.
۱۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، *تصنیف خورالحکم و دررالکلم*، قم، دفتر تبلیغات.
۱۳. جان بزرگی، مسعود، ۱۳۸۹، آموزش اخلاقی به کودکان، تهران، ارجمند.
۱۴. حسینی زاده، سید علی، ۱۳۹۱، *سیزده تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ در تربیت فرزند*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۵. حکیمی، محمدرضا و دیگران، ۱۳۸۰، *الحياة*، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۶. حاجی علیان، نیره و خسرو باقری، محمدرضا شرفی، سید مهدی سجادی، ۱۳۹۴، «کرامت انسانی زیربنای تربیت اخلاقی»، *معرفت اخلاقی*، شماره ۱۸، ص ۶۳ - ۷۶، قم، مؤسسه امام خمینی.
۱۷. حاجی بابائیان امیری، محسن، ۱۳۹۱، *روش‌های تربیت اخلاقی کاربردی در اسلام*، تهران، سروش.
۱۸. جرالد، کوری، ۱۳۹۹، *نظریه و کاربیست مشاوره و روان درمانی*، تهران، ارسپاران.
۱۹. رندی جی. لارسن، ۱۳۹۵، *حوذه‌های دانش درباره ماهیت انسان*، ترجمه جمهوری فرهاد، تهران، رشد.
۲۰. داوید محمد، ۱۳۹۰، *تربیت اخلاقی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۲۱. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵، مجمع‌البحرين، تهران، مکتبة المرتضویة.
۲۲. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، *كتاب العین*، لغتname، قم، هجرت.
۲۴. کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تهران، دارالكتب الاسلامیه.
۲۵. گاربر، استفن، ۱۳۹۲، *چگونه با کودکم رفتار کنیم*، ترجمه دکتر هومن حسینی نیک و همکاران، تهران، مروارید.
۲۶. محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۹۳، *میزان الحکمه*، قم، دارالحدیث.
۲۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار الجامعۃ للدرر أخبار الأئمۃ الأطہار*، بیروت، دار إحياء التراث العربي.
۲۸. مهدوی، حسین، ۱۳۹۲، *پایان‌نامه الگوی فرزند پروری براساس آموزه‌های اسلامی و تبیین روان‌شناختی آن*، قم، مؤسسه امام خمینی.
۲۹. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۰. هاشمی خوبی، حبیب الله بن محمد، ۱۴۰۰ق، *منهاج البراعه فی شرح نهج البلاعه*، تهران، مکتبه الاسلامیه.
۳۱. یدالله پور، بهروز، ۱۳۸۸، «معناشناسی کرامت در قرآن»، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره ۲، ص ۱۱۹.